

بررسی تطبیقی اجرای اصل احتیاط زیست محیطی در پرتو آرا و تصمیمات مراجع بین‌المللی

محمدحسین رضانی قوام‌آبادی*

(تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۱۵)

چکیده

اصل احتیاط یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست محسوب می‌شود. بر اساس این اصل، برای حفاظت از محیط زیست، دولت‌ها باید متناسب با امکانات خود تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال نمایند. در صورت خطر ورود صدمات شدید یا غیر قابل جبران، عدم وجود دلایل قطعی علمی نباید بهانه‌ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از ورود صدمه به محیط زیست شود. علی‌رغم شناسایی این اصل در اسناد مختلف زیست محیطی، در مرحله‌ی اجرا این اصل به صورت واحدی در مراجع بین‌المللی رعایت نمی‌شود. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و کنکاش در آرا و تصمیم‌های برخی از مراجع بین‌المللی در صدد تجزیه و تحلیل رویکرد این مراجع نسبت به اصل احتیاط است تا بدین وسیله اقبال و عدم اقبال اصل مزبور را در حقوق بین‌الملل نشان دهد.

کلیدواژگان: اصل احتیاط، دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه حقوق دریا، سازمان جهانی تجارت، محیط زیست.

مقدمه

بی تردید عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم، عصر خطرات است. این خطرات بالقوه همراه همیشگی فعالیت‌ها و اقدامات انسانی می‌باشند. خطر بالقوه و ضرورت توصیف آن موجب طرح اصل احتیاط در محافل مختلف شده است. این اصل به نوبه‌ی خود نیز مبدل به یکی از بحث‌انگیزترین مباحث حقوق بین‌الملل محیط زیست گردیده است که در دستور کار این تحقیق قرار دارد. همنشین بودن نوع خطر با فعالیت‌های انسانی، پذیرش اصل احتیاط را با مشکلات گوناگونی روبه‌رو ساخته است؛ زیرا خطر صفر در عمل یک اتوپیا تلقی می‌گردد و بدون حداقل خطرات انجام اقدامات و فعالیت‌های انسانی عملاً مشکل و غیر ممکن می‌نماید.

ریشه‌ی اصل احتیاط را باید در آموزه‌های حقوقی اواخر دهه‌ی ۷۰ آلمان جستجو کرد. حقوق آلمان به طور ضمنی در مقررات خود در خصوص تأسیسات طبقه‌بندی شده، بیوتکنولوژی، انرژی هسته‌ای و مدیریت آب و هم‌چنین در رویه‌ی اداری خود به این اصل توجه زیادی داشته است.^۱ دادگاه اداری فدرال آلمان در رأی ۱۷ فوریه‌ی ۱۹۷۸ خود در ارتباط با استخراج از یک مرکز زغال سنگ اعلام کرد که «بر طبق ماده‌ی ۵ قانون فدرال در خصوص مبارزه با آلودگی‌های هوا، تأسیسات باید به صورتی ساخته و مورد بهره‌برداری قرار گیرند که از آلودگی‌ها و سایر خطرات و معایب و ضررهای شدید جلوگیری کند و احتیاط‌های لازم در مقابل این آلودگی‌ها ... به عمل آید» (De Sadeleer, 1999: pp. 151-152).

اصل احتیاط زیست محیطی در دو حوزه‌ی محیط زیست طبیعی و عناصر آن هم‌چون آب، هوا، خاک و غیره و هم‌چنین در مورد مواد تولید شده توسط انسان هم‌چون پسماند و محصولات ژنتیکی دستکاری شده یا تراریخته قابل طرح است. در مورد عناصر زیست محیطی، اصل احتیاط هنوز بسیار مبهم است؛ زیرا روش‌ها و شیوه‌های اجرای این اصل هم‌چنان نامشخص و تعریف نشده باقی مانده‌اند، در حالی که در مورد مواد تولید شده توسط انسان، این گرایش وجود دارد تا اجرای اصل احتیاط زیست محیطی به نحوی نظام‌مند شود. در خصوص محصولات ژنتیکی نو ترکیب، دستکاری شده یا تراریخته^۲ توسط انسان هم‌چنان این موضوع

۱. ماده‌ی ۵ قانون فدرال مربوط به حفاظت در مقابل انتشارات مقرر می‌دارد: «تأسیسات تابع مجوزها می‌باشند و در صورتی تأسیس و به بهره‌برداری می‌رسند که احتیاط‌های مربوط به آثار مضر بر محیط زیست به عمل آمده باشد».

2. Organismes Génétiquement Modifiés (OGM), Genetically Modified Organisms (GMO)

مطرح است که اگر انسان آن‌ها را تولید می‌کند، یعنی آن‌ها که آن محصولات مفید هستند^۱. حال این پرسش مطرح می‌شود که آثار فعالیت‌های مفید انسان کدامند؟ در صورت مفید بودن این محصولات، دیگر نمی‌توانیم از وجود چنین محصولاتی جلوگیری نماییم. پس باید تلاش کرد تا اجرای اصل احتیاط در مورد محصولات یاد شده نظام‌مند گردد.

هدف اصلی اصل احتیاط زیست‌محیطی، حفاظت از محیط زیست و پیشگیری از تخریب و آلودگی آن است. اتخاذ تدابیر احتیاطی در کوتاه‌ترین زمان علی‌رغم عدم قطعیت و یقین علمی، قلب اصل احتیاط را تشکیل می‌دهد. پس به طور خلاصه می‌توان گفت که تدابیر پیشگیرانه در راستای اعمال اصل احتیاط واجد دو خصیصه است: الف) تدابیر پیشگیرانه سنتی برای پرهیز و جلوگیری از خساراتی که از قبل نسبت به عواقب و آثار آن آگاهی کامل وجود دارد؛ همانند ریختن مواد سمی در آب و یا به کارگیری محصولات مشتعل و انفجاری در جنگل که موجب آتش‌سوزی جنگل‌ها می‌گردد. ب) تدابیر احتیاطی برای پرهیز از آثار زیانبار احتمالی که نسبت به آثار و عواقب آن یقین و قطعیت علمی وجود ندارد؛ همانند آثار و تبعات ناشی از استفاده از حشره‌کش‌ها و هم‌چنین استفاده از محصولات ژنتیکی نوترکیب یا دستکاری شده.

به طور کلی، محیط زیست به سبب ماهیت خود ارتباط تنگاتنگی با علم و دانش دارد. در این میان، اصل احتیاط بیش از سایر اصول محیط زیست با علم و دانش مرتبط می‌باشد و از این منظر این اصل مشوق بسیار خوبی جهت توسعه‌ی تحقیقات علمی در زمینه‌های ناشناخته تلقی می‌شود. پس با این اوصاف می‌توان ادعا کرد که علم و دانش ابزاری است در خدمت محیط زیست که با تأسی به آن می‌توان از حوزه‌ی اصل احتیاط به قلمروی اصل پیشگیری وارد شد.

در حقوق بین‌الملل محیط زیست، اصول متعددی وجود دارد که همه‌ی آن‌ها از اعتبار واحدی برخوردار نیستند. یکی از این اصول، اصل احتیاط است که در اسناد مختلف چون اعلامیه‌ی ۲۵ نوامبر ۱۹۸۷ (ضرورت تصویب رویکردی احتیاطی در مورد مقررات‌گذاری در خصوص تخلیه‌ی مواد خطرناک به دریای شمال)، کنوانسیون پاریس ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۲ (تدابیر پیشگیرانه در مورد حفاظت از منابع دریای آتلانتیک) و اعلامیه‌ی «ریو» (در مورد محیط زیست و توسعه) مورد شناسایی واقع شده است. مطابق اصل ۱۵ اعلامیه‌ی ریو «برای حفاظت از محیط زیست، دولت‌ها باید متناسب با امکانات خود تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال نمایند. در

۱. برای اطلاعات بیشتر نک به: محسن عبدالهی، «نظام حقوقی حاکم بر محصولات ژنتیکی نوترکیب: ضرورت تصویب قانون ملی ایمنی زیستی»، سالنامه‌ی ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره‌ی سوم، ۱۳۸۶، صص ۵۹-۹۱.

صورت خطر ورود صدمات شدید یا غیر قابل جبران، عدم وجود دلایل قطعی علمی نباید بهانه‌ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای جلوگیری از ورود صدمه به محیط زیست شود». با وجود شناسایی اصل احتیاط در اسناد مختلف ملی و بین‌المللی، هم‌چنان در مورد ماهیت حقوقی آن اتفاق نظری وجود ندارد و پیش‌بینی پی‌درپی و مداوم اصل احتیاط در آموزه‌های حقوقی، حقوق بین‌الملل و رویه‌ی قضایی نتوانسته است به این اصل کمک چندانی کند. تنوع مقررات‌گذاری و وجود واژگان و اصطلاحات مختلف در این زمینه بر ابهامات موجود افزوده است و بدین جهت، اصل احتیاط از محتوای ثابت و مشخصی برخوردار نیست. همین امر سبب طرح پرسش‌های گوناگونی در مورد تعریف، ماهیت و اصالت این اصل در آموزه‌های حقوقی و مراجع بین‌المللی شده است (Sands, 1997: p.471). این اصل در دو قلمرو عناصر زیست محیطی اعم از آب، هوا، خاک و منابع طبیعی تجدیدپذیر و هم‌چنین موادّی مثل پسماندها و محصولات ژنتیکی نو ترکیب که توسط انسان تولید می‌شوند، قابل تحقق است. تجزیه و تحلیل اسناد زیست محیطی گویای این امر است که در مورد عناصر زیست محیطی، طرح موضوع اصل احتیاط هنوز خیلی مبهم است، چه این که روش‌ها و شیوه‌های اجرای اصل احتیاط هم‌چنان نامشخص و بدون تعریف باقی مانده‌اند، در حالی که در مورد موادّ تولید شده توسط انسان، گرایش قویّی به سمت انتظام بخشیدن اجرای اصل احتیاط وجود دارد. این تحقیق در تلاش است تا به بررسی فوائد و آثار و تبعات مترتب بر وجود اصل احتیاط و نظام‌مند شدن آن در پرتو مطالعه‌ی تطبیقی اصل احتیاط در رویه‌ی قضایی بین‌المللی بپردازد و اقبال و عدم اقبال آن را در مراجع گوناگون بین‌المللی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. اصل احتیاط در بعضی مراجع از ثبات چندان زیادی برخوردار نیست (بخش اوّل) و در برخی دیگر، اجرا و تضمین (بخش دوم) شده است. لذا در این تحقیق تلاش خواهد شد که ضمن تجزیه و تحلیل اصل احتیاط به مطالعه‌ی تطبیقی و رویکردهای متفاوت بین برخی از مراجع بین‌المللی در قبال اجرای این اصل پرداخته شود.

۱) عدم اقبال اصل احتیاط در دیوان بین‌المللی دادگستری و سازمان جهانی تجارت

اصل احتیاط در دو مرجع دیوان بین‌المللی دادگستری و سازمان جهانی تجارت با اقبال همراه نبوده است. استاد طرفین به این اصل موجب تأیید و شناسایی آن توسط دیوان نشده که بررسی رویه‌ی قضایی رویکرد سختگیرانه‌ی دیوان را نسبت به اصل احتیاط (الف) نشان می‌دهد. با توجه به

ماهیت اختلافات تجاری، پذیرش این اصل در سازمان جهانی تجارت نیز با مشکلات زیادی روبرو است که بررسی قضایای مطروحه در ارگان حل و فصل این سازمان (ب) مؤید آن می‌باشد.

۱-۱) رویه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری در قبال اصل احتیاط

دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به اصل احتیاط توجه چندانی نکرده است. رجوع به رویه‌ی قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری مثبت چنین ادعایی است. دیوان در چند قضیه این فرصت را در اختیار داشته تا یک بار برای همیشه در مورد ماهیت این اصل ابراز نظر نماید، اما هر بار نسبت به موضع‌گیری در این باره تردید به خود راه داده است.

قضیه‌ی آزمایشات هسته‌ای بین زلاندنو و فرانسه دو بار در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح گردید. اولین بار در سال ۱۹۷۴ و دومین بار در سال ۱۹۹۵ موضوع آزمایشات هسته‌ای فرانسه مورد توجه قرار گرفت. در دادخواست تقدیمی دولت زلاندنو در سال ۱۹۷۳ از دیوان، درخواست کرد که دیوان اعلام کند که «انجام آزمایشات هسته‌ای دولت فرانسه در منطقه‌ی آرام جنوبی موجب نقض حقوق دولت زلاندنو به موجب حقوق بین‌الملل خواهد بود». در ژوئن ۱۹۷۴، دولت فرانسه به صورت یک‌جانبه اعلام کرد که آزمایشات هسته‌ای خود را در جو متوقف خواهد کرد. به دنبال این اعلامیه، دیوان با ۹ رأی موافق و ۶ رأی مخالف اعلام کرد که درخواست زلاندنو باید صرفاً برای آزمایشات در جو تفسیر گردد و نه سایر آزمایشات و بر این اساس تنها برای آزمایشات انجام شده در جو به نحوی که موجب ریخته شدن رادیواکتیویته در سرزمین زلاندنو شود، قابل اعمال است. دیوان در بند ۶۳ رأی خود متذکر شد که اگر مبنای رأی تحت تأثیر قرار گیرد، خواهان، قادر به درخواست بررسی اوضاع و احوال مطابق با مقررات اساسنامه‌ی دیوان خواهد بود.

به دنبال از سرگیری آزمایشات هسته‌ای توسط فرانسه، دولت زلاندنو بر اساس بند ۶۳ رأی مذکور از دیوان خواست تا بدین موضوع رسیدگی کند. تفاوت اساسی آزمایشات اخیر فرانسه نسبت به آزمایشات قبلی خود مربوط به نحوه‌ی انجام آن است؛ زیرا این آزمایشات در زیر زمین صورت می‌گیرد. زلاندنو به استناد بند ۶۳ رأی ۱۹۷۴ و با تأکید بر توسعه و تحولات اخیر حقوق بین‌الملل محیط زیست از دیوان درخواست می‌نماید که نسبت به این موضوع رسیدگی و اعلام کند که: الف) انجام آزمایشات هسته‌ای مورد نظر نقض حقوق زلاندنو و سایر دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل خواهد بود.

این قضیه اولین موردی بود که دیوان بین‌المللی دادگستری از اعلام نظر در خصوص اصل احتیاط خودداری کرد. در سال ۱۹۹۴ دولت زلاندنو به شدت از وجود اصل احتیاط و لازم‌الاجرا بودن آن حمایت می‌کرد و اعتقاد داشت این اصل موجب تغییر بار اثبات دعوا می‌شود و بدین جهت، دولت فرانسه باید مضر نبودن چنین آزمایش‌هایی را به اثبات برساند. به عبارت دیگر، دولت زلاندنو اعلام کرد که دولت فرانسه می‌بایستی قبل از انجام آزمایشات هسته‌ای، ارزیابی زیست محیطی را انجام و نشان دهد این آزمایشات خطری در پی نخواهد داشت. این ادعاها مورد پذیرش فرانسه قرار نگرفت و اعلام کرد هر چند که اصل احتیاط دارای ارزش الزام‌آور نیست، اما دولت فرانسه این اصل را رعایت کرده است. دیوان در این قضیه وارد ماهیت دعوا نشد و اعلام کرد که برای رسیدگی به این اختلاف فاقد صلاحیت است.

البته نباید فراموش کرد که قضیه‌ی از سرگیری آزمایشات هسته‌ای فرانسه درست دو سال بعد از کنفرانس ریو مطرح گردید؛ یعنی زمانی که تازه اصل احتیاط به صورت مشخص در اعلامیه‌ی «ریو» مورد شناسایی قرار گرفت. آن‌چه که در این قضیه اهمیت دارد، موضوع وجود و عدم وجود اصل احتیاط و هم‌چنین آثار ناشی از آن در مرحله‌ی دادرسی است؛ زیرا این امر تأثیر بسزایی در اثبات دعوا و تغییر احتمالی بار اثبات دعوا خواهد داشت.

همان‌گونه که در بالا گفته شد، علاوه بر دولت زلاندنو که از طرف‌داران پر و پا قرص اصل احتیاط بود، باید به نظریه‌ی مخالف قاضی «ویرامانتری» درباره‌ی اصل احتیاط اشاره کرد که از اهمیت زیادی برخوردار است. این قاضی با تأکید بر اسناد مختلف بین‌المللی و اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست تلاش کرد تا ضمن تلقی اصل احتیاط به عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل نشان دهد که این اصل موجب تغییر بار اثبات دعوا می‌گردد.

در قضیه‌ی سد «گابچیکوو» و «ناگیماروش» بین مجارستان و اسلواکی به نحوی موضوع اصل احتیاط مطرح شد. هر دو کشور در این قضیه به اصل احتیاط استناد کردند، اما استناد هر یک از طرفین دعوا به صورت متفاوتی بود. اسلواکی اعلام کرد که مجارستان از اثبات اصل احتیاط به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل باز مانده است و هم‌چنین شرایط لازم برای این اصل نیز جمع نشده است. آن‌چه که در این قضیه جالب است این که دولت خواننده (اسلواکی) وجود این اصل را به رسمیت نمی‌شناسد، اما اعلام می‌کند که شرایط لازم جهت تحقق این اصل محقق نشده است. بر عکس، دولت خواهان (مجارستان) به طور مستقیم و آشکار به اصل احتیاط استناد می‌کند، بدون این که آن را به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل تلقی نماید.

مجارستان از این نظریه دفاع می‌کرد که هنجارهای حقوق بین‌الملل در خصوص حفاظت از محیط زیست، اجرای معاهده‌ی ۱۹۷۷ (بین مجارستان و چکسلواکی) را غیرممکن ساخته است. به نظر این کشور، تعهد از قبل موجود در رابطه با عدم ورود خسارت به سرزمین دولت دیگر به مرور زمان تبدیل به یک تعهد ارگامنس پیشگیری از خسارات مطابق با «اصل احتیاط» شده است (Affaire relative au projet Gabčíkovo-Nagymaros, 1997: Para.97).

در پاسخ، دولت اسلواکی اعلام کرد که هیچ‌یک از پیشرفت‌های اخیر حقوق بین‌الملل محیط زیست موجب ایجاد و خلق قاعده‌ی آمره‌ای نشده تا بر معاهده ارجحیت داشته باشد. به علاوه، اسلواکی اعلام کرد که حق اقدامی که مجارستان برتر می‌داند، نمی‌تواند قانوناً در هر وضعیتی به موجب حقوق معاهدات پایان معاهده را توجیه کند و بیشتر به نوعی خودحمایتی یا تلافی می‌ماند.

قضیه‌ی سد موجب طرح مسائل گوناگونی هم‌چون جانشینی دولت‌ها، حقوق معاهدات، حقوق محیط زیست و مسئولیت بین‌المللی گردید. آنچه که برای ما بیش از هر چیز اهمیت دارد، دو موضوع اخیر است. دولت مجارستان جهت توجیه تعلیق و توقف کارهای مربوط به طرح ناگیماروش در سال ۱۹۸۹ و نیز بخشی از طرح «گابچیکوو» که آن کشور مسئول آن بوده است، به «حالت ضرورت اکولوژیک» استناد می‌کند. در واقع، از این طریق دولت مجارستان در صدد توجیه عدم اجرا و تعلیق معاهده‌ی ۱۹۷۷ (بین مجارستان و چکسلواکی) و خاتمه‌ی آن بود. دولت خوانده نیز اعلام داشت که حالت ضرورت نمی‌تواند دلیلی جهت تعلیق تعهدات معاهده‌ای باشد و هم‌چنین بر اساس حقوق مسئولیت دولت‌ها، تلقی «ضرورت اکولوژیک» یا «خطر اکولوژیک» به عنوان یکی از معاذیر عمل متخلفانه مورد تردید است (Affaire relative au projet Gabčíkovo-Nagymaros, 1997: P.44).

دیوان در بند ۵۱ رأی خود با استناد به مآه‌ی ۳۳ پیش‌نویس سال ۱۹۹۶ مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اعلام می‌کند که «حالت ضرورت به موجب حقوق بین‌الملل عرفی یکی از اسباب مستثنی شدن از یک عمل مغایر با یک تعهد بین‌المللی است. به علاوه، دیوان معتقد است چنین اسبابی تنها به صورت استثنایی قابل پذیرش می‌باشد». در ادامه، دیوان اعلام می‌کند که شرایط اساسی مندرج در مآه‌ی ۳۳ پیش‌نویس کمیسیون فوق با این قضیه مرتبط هستند: «منفعت اساسی» دولت مرتکب عمل مغایر با یکی از تعهدات بین‌المللی خود باشد. این منفعت باید از سوی «خطری شدید و قریب‌الوقوع» مورد

تهدید واقع شده باشد. عمل مورد نظر باید «تنها وسیله‌ی» صیانت از منفعت مذکور باشد و نباید به «منفعت اساسی دولتی که طرف آن تعهد است، لطمه‌ی شدیدی» وارد کند و دولت مرتکب عمل نباید در «ایجاد حالت ضرورت» مشارکت داشته باشند. این شرایط منعکس‌کننده‌ی حقوق بین‌الملل عرفی است. در مورد تحقق شرایط فوق در زمان تعلیق و توقف کارها توسط مجارستان دیوان اعلام کرد که «هیچ مشکلی در شناسایی دغدغه‌های بیان شده توسط مجارستان در خصوص محیط زیست طبیعی خود در منطقه‌ای که طرح «گابچیکو» - ناگیماروش» بر آن تأثیر گذاشته، ندارد و این که یکی از «منافع اساسی» آن کشور است» (Ibid.: P. 51-53).

درباره‌ی ادعای مجارستان نسبت به شدید و قریب‌الوقوع بودن خطر و این که این کشور جهت مقابله با آن، وسیله‌ای جز تعلیق و توقف کارها در اختیار نداشته، اعلام کرد که عدم قطعیت خطرات اکولوژیک نمی‌تواند به تنهایی سبب ایجاد عینی «خطر» شود. «حالت ضرورت» برای خطری که هنوز محقق نشده، وجود نخواهد داشت و «خطر» ممکن به تنهایی در این باره کافی نیست. در نهایت، دیوان علی‌رغم توجه به شدید بودن احتمالی خطرات مورد ادعای مجارستان اعلام کرد که این خطرات نه موجود بوده‌اند و نه قریب‌الوقوع و این کشور می‌توانسته به وسایل دیگری جهت مقابله با خطراتی که در مورد آن‌ها تردید داشته، متوسل شود (Ibid.: P. 54-57).

پرواضح است که دیوان به اصل احتیاط توجهی نکرد و از طریق طرح موضوع «ضرورت اکولوژیک» و تفسیر موسع به عمل آمده از «ضرورت» که یکی از دلایل احتمالی عدم اجرای یک معاهده است، از ابراز نظر نسبت به اصل احتیاط خودداری کرد. متأسفانه دیوان در این قضیه، علی‌رغم آمادگی طرفین جهت پذیرش وجود چنین اصلی نه به عنوان یک اصل الزام‌آور، بلکه حتی به عنوان یک اصل سیاسی، خاموش ماند. رویکرد انفعالی دیوان در مقابل اصل احتیاط به خوبی از نحوه‌ی برخوردش با موضوع «خطر بالقوه» یا همان ریسک مشخص می‌شود؛ زیرا دیوان به «علت وجودی» (Raison d'être) اصل احتیاط توجه نکرده است (Sohnle, 1998: p.110-111). معمولاً اصل احتیاط واجد دو خصیصه‌ی وجود «خطر بالقوه» و «عدم قطعیت و یقین علمی» است و به کمک این مؤلفه‌ها قادر خواهیم بود اصل احتیاط را در میان سایر اصول مورد شناسایی قرار دهیم. دیوان بین‌المللی دادگستری با تکیه بر ضرورت اکولوژیک عملاً از تشریح اصل احتیاط زیست محیطی خودداری کرد، اما با وجود این در بند

۱۱۳ و ۱۴۰ رأی خود اشارات مختصری به صورت غیر مستقیم به اصل احتیاط دارد. دیوان در بند ۱۱۳ رأی خود اعلام می‌کند که «دیوان تصدیق می‌کند که طرفین به طور جدی در خصوص نگرانی‌های مربوط به محیط زیست و اتخاذ تدابیر احتیاطی توافق دارند، اما اساساً طرفین در مورد آثار و تبعات ناشی از طرح مشترک اختلاف نظر دارند» و در بند ۱۴۰ رأی خود مقرر می‌دارد: «در طی سالیان، بشر به دلایل اقتصادی و غیر آن مداخله‌ی خود را در طبیعت قطع نکرده است. در گذشته، مداخلات بشر بدون توجه به آثار زیست محیطی بوده، اما امروزه به لطف علم و توجه رو به رشد نسبت به خطراتی که این مداخلات برای بشریت (نسل‌های فعلی یا آینده) دارند، هنجارهای جدیدی در قالب اسناد متعدّد در طی دو دهه‌ی اخیر وضع و اعلام شده است». اصل مطالعه و ارزیابی مقدماتی آثار زیست محیطی یکی از جلوه‌های مهمّ چنین توجهی است که در اسناد بین‌المللی مورد شناسایی واقع شده است و امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست شناخته می‌شود.

به هر تقدیر، همان‌گونه که دیدیم، در قضیه‌ی سد، مجارستان از اثبات وجود خطر واقعی، شدید و قریب‌الوقوع بازماند و نتوانست تعلیق و توقف کارهای خود را در قالب معاهده‌ی ۱۹۷۷ توجیه نماید و در نتیجه، دیوان نیز موضع کاملاً سختگیرانه‌ای نسبت به اصل احتیاط اتخاذ و اعلام کرد که خطرات زیست محیطی باید واقعی باشند تا بتوان آن‌ها را قریب‌الوقوع تلقی کرد. در رأی اخیر دیوان در سال ۲۰۱۰ در قضیه‌ی کارخانه‌های خمیر کاغذ بین آرژانتین و اروگوئه، اصل احتیاط مجدداً مورد توجه قرار گرفت. قضیه‌ی موسوم به کارخانه‌های خمیر کاغذ، مربوط به طرح ساخت و راه‌اندازی دو کارخانه‌ی خمیر کاغذ بر روی رودخانه مرزی اروگوئه^۱ بین دو کشور آرژانتین و اروگوئه می‌باشد. صدور مجوز ساخت این کارخانه‌ها و هم‌چنین صدور مجوز ساخت یک بندر در بوتنیا^۲ سبب شد تا کشور آرژانتین علیه اروگوئه اقدام به طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری نمایند. البته قبل از طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری و یا به موازات آن تلاش‌هایی در جهت حلّ و فصل اختلاف مزبور به طور مستقیم و غیر مستقیم صورت گرفت که از آن جمله می‌توان به مذاکرات دیپلماتیک این

۱. رودخانه‌ی اروگوئه، آبراهی مرزی به طول حدود ۵۰۰ کیلومتر می‌باشد و به همین جهت نیز تابع یک رژیم حقوقی خاص برای حمایت از حقوق طرفین می‌باشد.

۲. مجوز ساخت کارخانه‌ی خمیر کاغذ CMB (۹ اکتبر ۲۰۰۳)، مجوز ساخت کارخانه خمیر کاغذ Orion (۱۴ فوریه‌ی ۲۰۰۵)، مجوز ساخت یک بندر در Botnia (۵ ژوئیه‌ی ۲۰۰۵) و اجازه‌ی شروع به کار در ۲۴ اوت ۲۰۰۶ صادر شده‌اند.

دو کشور و میانجیگری پادشاه اسپانیا جهت نزدیک کردن مواضع طرفین اشاره کرد. به موازات این اقدامات هر یک از این دو کشور نیز به نحوی موضوع را در مراجع منطقه‌ای نیز مطرح کردند، بدین صورت که دولت آرژانتین در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵ موضوع نقض هنجارهای زیست محیطی بین‌المللی توسط اروگوئه را در کمیسیون آمریکایی حقوق بشر^۱ طرح کرد و دولت اروگوئه نیز جهت مقابله با مسدود شدن پُل‌های ارتباطی بین دو کشور در ۲۱ ژوئن ۲۰۰۶ به استناد آزادی عبور و مرور افراد، موضوع را در دادگاه داوری ویژه «مرکوسور»^۲ اقامه نمود (GAUTREAU et MERLINSKY, 2008: p. 66-67). به سبب عدم اقبال تلاش‌ها و ساز و کارهای پیش‌گفته، سرانجام دولت آرژانتین در ۴ مه ۲۰۰۶ علیه دولت اروگوئه در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح دعوا کند. اساسنامه‌ی رودخانه‌ی اروگوئه مورخ ۲۶ فوریه‌ی ۱۹۷۵، مبنایی برای حلّ و فصل اختلاف بین دو کشور است که بر سه محور مدیریت مشترک، همکاری و حفاظت تأکید دارد و به همین جهت نیز به کرات مورد استناد طرفین اختلاف قرار گرفت (Mémoire de la République Argentine, 2007 : P. 3.32).

دولت آرژانتین با تمسک به شروط ارجاع مندرج در مواد ۱ و ۴۱ اساسنامه‌ی ۱۹۷۰ تلاش کرد تا به اسناد بین‌المللی مربوط به محیط زیست استناد کند تا بدین وسیله نقض یکی دیگر از اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست (اصل احتیاط) توسط اروگوئه را نشان دهد. به عبارت دیگر، دولت آرژانتین در تحلیل نهایی متذکر شد که تعهد به انجام اقدامات احتیاطی باید توسط هر دو کشور آرژانتین و اروگوئه در کنار تعهد به اقدامات پیشگیرانه به عمل آید. پس تعهد به اتخاذ تدابیر و اقدامات احتیاطی در مورد خطرات احتمالی و بالقوه باید در خصوص تدارک و اجرای طرح‌ها یا هر گونه بهره‌برداری از آبراه اروگوئه و مناطق تحت تأثیر و نفوذ آن صورت گیرد. دیوان در قرار خود اصل احتیاط را نپذیرفت؛ زیرا به نظر دیوان آثار پساب‌های کارخانه‌ی خمیر کاغذ به آبراه مشخص و شناخته شده است و به همین جهت، اصل احتیاط

۱. دکتر خورخه بوستی (Dr. Jorge Busti) فرماندار ایالت اینتر ریوس (Entre Rios) آرژانتین و یک سازمان غیر دولتی به نام مرکز حقوق بشر و محیط زیست (CEDHA) علیه دولت اروگوئه در کمیسیون آمریکایی حقوق بشر شکایت کردند.

۲. بازار مشترک جنوبی یا مرکوسور (Mercosur)، جامعه‌ی اقتصادی کشورهای آمریکای جنوبی یا بازار مشترک جنوبی در ۲۶ مارس ۱۹۹۱ با امضای معاهده‌ی آسانسیون (Asuncion) توسط برزیل، آرژانتین، پاراگوئه و اروگوئه امضاء شد. در واقع، این بازار سومین بازار جهانی بعد از بازار مشترک اروپایی و موافقت‌نامه‌ی آزادی مبادلات آمریکای شمالی (نفتا) محسوب می‌شود.

نمی‌تواند اعمال گردد. دیوان به دولت آرژانتین ایراد گرفت که این کشور قادر به اثبات این که کارهای انجام شده در آینده موجب خسارات غیر قابل جبرانی به محیط زیست می‌شود، نبوده است. قاضی ad hoc «وینوزا» (Vinousa) اعلام کرد که عدم قطعیت و یقین در آثار منفی احتمالی ساخت کارخانه‌ها باقی است و بدین جهت باید اصل احتیاط به طور مستقیم برای توجیه تعلیق اقدامات مربوط به ساخت کارخانه اجرا گردد. پس اصل احتیاط در بطن حقوق محیط زیست قرار دارد و جنبه‌ی انتزاعی و یا یک عنصر آکادمیک و حقوق قوام نیافته (Soft Law) تلقی نمی‌شود، بلکه احتیاط یک قاعده‌ی حقوقی است و بخشی از حقوق بین‌الملل عام تلقی می‌گردد.

با بررسی قضایای مطروحه در دیوان بین‌المللی دادگستری مشخص گردید که اصل احتیاط به کرات در دیوان مطرح شده و این مرجع از شناسایی این اصل به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل خودداری کرده است. در قیاس با سایر اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست، اصل احتیاط در دیوان بین‌المللی دادگستری از اقبال چندانی برخوردار نبود؛ زیرا این مرجع به نوعی یک رویکرد گزینشی در قبال این اصول اتخاذ کرده است. برای مثال نسبت به اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین و اصل پیشگیری توجّه خاص و ویژه‌ای مبذول داشته، در حالی که این امر نسبت به اصل احتیاط صادق نیست.

بعد از بررسی موقعیت اصل احتیاط در نزد بزرگ‌ترین مرجع قضایی بین‌المللی به رویکرد یکی از معتبرترین مراجع شبه قضائی بین‌المللی در قبال این اصل خواهیم پرداخت.

۲-۱) اصل احتیاط و مبادلات آزاد تجاری در سازمان جهانی تجارت

برداشتن عوارض و تعرفه‌های گمرکی و تحقق مبادلات آزاد تجاری یکی از اهداف مهم موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات) و سازمان جهانی تجارت بوده و هست. با تأسیس سازمان جهانی تجارت، صلاحیت این سازمان افزایش یافت و موضوعات جدیدی در قلمروی صلاحیت آن قرار گرفت.

سازمان جهانی تجارت، ارگانی زیست محیطی نیست. هدف اصلی این سازمان ارتقای تجارت بین‌الملل و گشایش بازار می‌باشد. قواعد سازمان جهانی تجارت به اعضای این سازمان اجازه می‌دهد تا تحت شرایطی تدابیری در جهت حفاظت از محیط زیست اتخاذ کنند، منوط به این که این تدابیر، تدابیری حمایتی نباشند. به طور کلی، توجّه به محیط زیست و توسعه‌ی

پایدار در سازمان جهانی تجارت از چند منظر قابل توجه است: الف) دیباچه‌ی موافقت‌نامه‌ی مراکش^۱ به طور مستقیم به استفاده‌ی مناسب از منابع جهانی مطابق با اهداف توسعه‌ی پایدار جهت حفاظت از محیط زیست اشاره می‌کند. ب) وجود قواعدی هم‌چون قواعد مربوط به تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی، امکان پیگیری اهداف زیست محیطی و تصویب تدابیر ضروری در این حوزه را می‌دهد. ج) ماده‌ی ۲۰ موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت از اهمیت زیادی برخوردار است. این ماده، موضوع محیط زیست را در قالب استثنائات کلی مورد توجه قرار می‌دهد و به همین جهت نیز در اغلب قضایای مطروحه در خصوص بهداشت و سلامت انسان، حیوان و گیاه در گروه‌های ویژه یا پانل (گات ۱۹۴۷) و ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت مورد استناد قرار گرفته و می‌گیرد. د) ایجاد کمیته‌ی تجارت و محیط زیست جهت برقراری همزیستی و هماهنگی بین تجارت و محیط زیست می‌باشد.

در مقابل تدابیر ذکر شده در بالا در خصوص حفاظت از محیط زیست، همیشه این نگرانی وجود داشته تا باز به بهانه‌ی این حفاظت به دامان سیاست‌های حمایتی سنتی در حوزه‌ی تجارت بین‌الملل باز گردیم و بر سر راه کالاهای خارجی مشابه کالاهای داخلی، موانع و محدودیت‌هایی ایجاد شود. به عبارت دیگر، این تدابیر، به منزله‌ی سیاست‌های حمایتی جدیدی با عنوان «سیاست‌های حمایتی سبز» تلقی گردند. اتخاذ این تدابیر در مواردی موجب اختلاف بین دولت‌ها شده که منجر به طرح دعوا در ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت شده است.

در ارتباط با اصل احتیاط، ارگان حل و فصل سازمان اندکی بسته عمل کرده است و از اجرای مستقیم این اصل خودداری می‌کند. توسل به این اصل ما را در مقابل تضاد و هم‌گرایی مشکل بین اصل آزادی مبادلات از یک سو و تدابیر حمایتی از سوی دیگر قرار می‌دهد که یک دولت برای حفاظت از سلامت و بهداشت افراد و محیط زیست به موجب موافقت‌نامه‌ی مربوط به اجرای تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی اتخاذ کرده است. موافقت‌نامه‌ی مربوط به اجرای تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی در دور اروگوئه به تصویب رسید و به عنوان یکی از اسناد مهم

۱. سازمان جهانی تجارت به موجب موافقت‌نامه‌ی مراکش ۱۹۹۴، جایگزین گات گردید. لذا موافقت‌نامه‌ی مراکش به مثابه‌ی خاتمه‌دهنده‌ی دور اروگوئه و موجد سازمان جهانی تجارت می‌باشد. نکته‌ی قابل توجه این است که موافقت‌نامه‌ی مراکش، ضمن معرفی و اعطای شخصیت حقوقی بین‌المللی به سازمان مزبور، آن را به عنوان چارچوبی نهادین برای هدایت روابط تجاری بین‌المللی می‌داند و آن را از «گات» که یک موافقت‌نامه‌ی موقت بود، مجزا می‌کند.

سازمان جهانی تجارت محسوب می‌شود. مقررات این موافقت‌نامه تعیین می‌کنند که دولت‌های عضو در چه شرایطی، با توجه به تعهدات‌شان نسبت به آزادی مبادلات تجاری، مجاز به ممنوع کردن ورود کالاها و فرآورده‌های مضر برای اشخاص و محیط زیست می‌باشند. به عبارت دیگر، موافقت‌نامه‌ی مربوط به اجرای تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی هدفی دوگانه را دنبال می‌کند: الف) شناسایی حقوق حاکمهٔ دولت عضو سازمان جهانی تجارت برای تضمین حفاظت بهداشتی و بهداشت گیاهی. ب) تدابیر اتخاذ شده توسط دولت عضو سازمان جهانی تجارت، بنا بر موافقت‌نامه‌ی مربوط به اجرای تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی، محدودیت غیر ضروری، خودسرانه، پوشیده بر تجارت بین‌الملل ایجاد نکند و هم‌چنین مبتنی بر اصول علمی باشد.

قضیه‌ی گوشت‌های هورمونی (آمریکا و کانادا علیه اتحادیهٔ اروپا) یکی از مهم‌ترین قضایایی است که در آن به اصل احتیاط استناد شده است. ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت مرتبط بودن توسل به اصل احتیاط را معتبر دانست، اما به سبب عدم صراحت در خصوص اجرای آن در دستورالعمل، آن اصل را مستقیماً قابل اعمال ندانست. علی‌رغم این که اصل احتیاط بارها در این قضیه مطرح شد، اما اجرای آن محدود باقی ماند. دولت‌ها می‌توانند آزادانه سطح حفاظت بهداشتی که مناسب می‌دانند انتخاب کنند و بدین ترتیب، تدابیر بهداشتی منجر به وضع یا حفظ سطح حمایت بالایی شود. این تدابیر باید مبتنی بر اصول علمی باشند و نباید بدون دلایل علمی کافی حفظ گردند.

ارگان پژوهشی اعلام کرد که دلایل مورد استناد اروپا، تصمیم به ممنوعیت گوشت‌های هورمونی آمریکا و کانادا را توجیه نمی‌کند. تدابیر اتخاذ شده توسط اروپا، تدابیری دائم تلقی می‌شد؛ زیرا ممنوعیت را بدون زمان در مورد کلیه گوشت‌های وارداتی اعمال می‌کرد، در حالی که موافقت‌نامه‌ی مربوط به اجرای تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی تنها تدابیر موقت را لحاظ می‌کند.

علی‌رغم این که موافقت‌نامه‌ی مزبور تصویب تدابیر محدودکننده بر تجارت را منوط به دلایل علمی کرده است، اما در بند ۷ ماده‌ی ۵ این سند به نظر می‌رسد که ایده‌ی اصل احتیاط را مورد پذیرش قرار داده است. این بند خیلی حساس است و از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا به طرفین اجازه می‌دهد تا تدابیر موقتی را بر اساس «اطلاعات مرتبط» حتی اگر «دلایل علمی مرتبط کافی» در دست نباشد، تصویب نمایند. البته نباید فراموش کرد که هر عضوی می‌تواند تدابیر موقت را اتخاذ کند، منوط به این که آن عضو تلاش کند تا اطلاعات لازم را به دست آورد تا نواقص

مربوطه جهت نیل به ارزیابی خطر عینی حاصل شود و در ضمن باید ارزیابی مجدد تدابیر در یک دوره‌ی زمانی معقول صورت پذیرد (Boy, Charlier, Rainelli, et Reis, 2003: pp. 1296-1297).

گروه ویژه در ارتباط با قضیه‌ی پیش گفته اعلام کرد که اتحادیه‌ی اروپا مطابق با مقررات موافقت‌نامه‌ی مربوط به اجرای تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی عمل نکرده است (Rapport P. 9.1: du Groupe spécial, 1997)؛ زیرا دلایل کافی دال بر مضرو خطرناک بودن این گوشت‌ها برای انسان و ارزیابی خطر آن ارائه نداده است و در ارتباط با اصل احتیاط، ارگان پژوهش اعلام کرد که به غیر از حقوق بین‌الملل محیط زیست، این اصل هنوز در جای دیگری اعتباری ندارد (Rapport de l'Organe d'appel, 1998: P. 60). اصلی‌ترین استدلال اتحادیه‌ی اروپا این بود که اصل احتیاط تبدیل به یک قاعده‌ی عرفی عام حقوق بین‌الملل یا حداقل یک اصل کلی حقوق شده باشد. اتحادیه‌ی اروپا با استناد به بندهای ۱ و ۲ ماده‌ی ۵ موافقت‌نامه‌ی مربوط به اجرای تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی اعتقاد داشت که اجرای اصل احتیاط به معنی ضرورت موافقت تمامی دانشمندان جهان در مورد «امکان و وسعت» خطر و هم‌چنین مشاهده و ارزیابی خطر توسط تمامی اعضای سازمان جهانی تجارت یا غالب آن‌ها نیست (Ibid.: P. 121).

ایالات متحده ضمن مخالفت با عرفی شدن این اصل اعلام کرد که اصل احتیاط بیشتر یک «رویکرد» است و مضمون آن بنا به اوضاع و احوال متغیر می‌باشد.

دولت کانادا نیز اعلام کرد که این اصل باید به عنوان یک «رویکرد مبتنی بر احتیاط» تعریف شود؛ زیرا این اصل هنوز بخشی از حقوق بین‌الملل عمومی محسوب نمی‌شود. کانادا اعتقاد داشت که رویکرد یا مفهوم احتیاط، یک اصل در حال ظهور در حقوق بین‌الملل است که می‌تواند در آینده تبدیل به یکی از اصول کلی حقوق پذیرفته شده‌ی ملل متمدن مندرج در ماده‌ی ۳۸ اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری شود (Rapport du Groupe spécial, 1997: p. 60). ارگان پژوهشی اعلام کرد که بی‌تردید اصل احتیاط در بند ۷ ماده‌ی ۵ مورد توجه قرار گرفته، اما شایسته است به تمام مفاد و مقررات ماده‌ی ۵ در مورد دلایل علمی مربوط به خطرات نیز توجه شود.

در قضیه‌ی دیگری موسوم به قضیه‌ی محصولات کشاورزی ژاپنی، گروه ویژه اعلام کرد که ژاپن تعهدات خود را رعایت نکرده است. ارگان پژوهش در رابطه با تفسیر مفهوم دلیل کافی مندرج در بند ۲ ماده‌ی ۲ موافقت‌نامه مذکور تأیید کرد که چنین ادعایی باید انحصاراً در پرتو بند ۱ ماده‌ی ۵ که در خصوص ارزیابی خطرات است، تفسیر شود. ارگان پژوهش، وجود رابطه‌ی «کافی و کامل» بین تدابیر موافقت‌نامه‌ی مربوط به اجرای تدابیر بهداشتی و بهداشت

گیاهی و دلایل علمی مطروحه در قضیه‌ی گوشت‌های هورمونی باید به عنوان رابطه‌ای «منطقی و عینی» بین این دو عنصر گسترش یابد (Rapport de l'Organe d'appel, 1999: par 73-74). به‌علاوه، ارزیابی خطرات باید از حیث علمی اثبات شود و باید احتمال تحقق چنین خطراتی حقیقت داشته باشد. ارگان پژوهش ضمن تأیید رویکرد مورد به مورد تفسیر خود در خصوص رابطه‌ی منطقی بین تدابیر موافقت‌نامه‌ی مربوط به اجرای تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی و دلایل علمی، اعلام کرد که بسته به اوضاع و احوال خاص قضیه دارد که شامل ویژگی‌های تدابیر مربوطه و کیفیت دلایل علمی می‌شود. ارزیابی خطرات نباید منتهی به یک نتیجه‌ی سخت شود و باید نمایان‌گر نقطه نظر غالب جریان‌ات اصلی نظرات علمی باشد.

۲) از ظهور رویکرد مثبت دادگاه حقوق دریا تا تضمین و اجرای اصل احتیاط در دیوان دادگستری جوامع اروپایی

بر عکس دو مرجع قبلی یعنی دیوان بین‌المللی دادگستری و ارگان حل و فصل سازمان جهانی تجارت که اجرای اصل احتیاط عملاً با مشکلات زیادی روبرو بود، در این بخش به مراجعی پرداخته می‌شود که اصل احتیاط و اجرای آن موقعیت نسبتاً مناسب‌تری دارند. لذا در این قسمت ابتدا به رویکرد مثبت دادگاه حقوق دریا به اصل احتیاط و در ادامه، اقبال این اصل را در دیوان دادگستری جوامع اروپایی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

۲-۱) رویکرد مثبت دادگاه بین‌المللی حقوق دریا به اصل احتیاط

دادگاه بین‌المللی حقوق دریا یا دادگاه هامبورگ با لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریا (مونده گوبی ۱۹۸۲) در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ تأسیس شد. این مرجع عملاً کار خود را از سال ۱۹۹۶ آغاز کرد. این دادگاه به عنوان مرجع ویژه‌ی رسیدگی به اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲ محسوب می‌شود. یکی از قضایای مطروحه در پیشگاه این مرجع، «قضیه‌ی ماهی تن آبی باله» بین استرالیا و نیوزلند علیه ژاپن می‌باشد. در دهه‌ی ۸۰ سه کشور مذاکراتی جهت حفاظت و مدیریت این منابع به عمل آوردند و میزان «صید قابل قبول» را ۳۸۶۵۰ تن معین کردند که سهم هر یک از آن‌ها به ترتیب ۲۳۱۵۰ تن (ژاپن)، ۱۴۵۰۰ تن (استرالیا) و ۱۰۰۰ تن (نیوزلند) بود. این کشورها تعهد کردند که این میزان باید بین ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹ به تدریج کاهش یابد. در سال ۱۹۹۳ سه کشور ژاپن، استرالیا و نیوزلند کنوانسیون تحت عنوان «کنوانسیون

حفظ ماهی‌های تَن آبی باله» جهت حفاظت از ماهی تَن مزبور منعقد کردند. اجرای این سند توسط کمیسیون ویژه‌ای به نام «کمیسیون حفاظت از ماهی‌های تَن آبی باله» که به اتفاق آرای طرفین تصمیم اتخاذ می‌کند، تضمین می‌گردد. در اولین نشست این کمیسیون، دولت ژاپن بازنگری میزان «صید قابل قبول» جهت صید تجاری را پیشنهاد کرد. از طرف دیگر، دولت ژاپن اعتقاد داشت که برنامه‌ی صید آزمایشی برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به منابع در مناطقی از دریا لازم است که صید تجاری در آن‌جا به عمل نیامده است. علی‌رغم توافق هر سه کشور در مورد اهمیت و ضرورت صید آزمایشی، در مورد صید و روش‌های اجرای آن توافق نداشتند و همین امر سبب شد تا نتوانند در کمیسیون پیش‌گفته نه تصمیمی در مورد تعیین میزان «صید قابل قبول» و سهم هریک از آن کشورها و نه تصمیمی در مورد اجرای صید آزمایشی برای سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ اتخاذ کنند (Kawano, 2003: pp. 517-518). پس اختلاف اساسی بر سر حفظ ذخیره‌ی ماهی‌های تَن آبی باله بود و به سبب عدم توافق بین طرفین در کمیسیون حفظ ماهی‌های تَن آبی باله^۱ و اقدام یک‌جانبه‌ی دولت ژاپن در اجرای صید آزمایشی از ۱۰ ژوئیه تا ۳۱ اوت ۱۹۹۸ و هم‌چنین تصمیم این کشور به تداوم آن برای مدت سه سال از اول ژوئن ۱۹۹۹ بر شدت این اختلاف افزود. عدم توافق این کشورها و تصمیم ژاپن در این باره سبب شد تا دو کشور استرالیا و نیوزلند در ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹ اقدام به طرح دعوا در پیشگاه دادگاه بین‌المللی حقوق دریا کنند. دُول خواهان اعتقاد داشتند که دولت ژاپن تعهد به همکاری مندرج در ماده‌ی ۶۴ (تعهد به همکاری دُول ذی‌نفع در حفظ منابع بزرگ مهاجر منطقه‌ی اقتصادی انحصاری) و مواد ۱۱۶ تا ۱۱۹ (تعهد به حفظ و مدیریت منابع بیولوژیک در دریای آزاد و تعهد به همکاری) کنوانسیون ۱۹۸۲ مونتگوبی را نقض کرده است. علاوه بر این، اقدام یک‌جانبه‌ی ژاپن در صید آزمایشی در سال ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ خود نقض تعهدات پیش‌بینی شده در کنوانسیون مونتگوبی ۱۹۸۲ محسوب می‌شود. دُول خواهان از دادگاه هامبورگ تقاضای صدور قرار دستور موقت کردند و در توجیه درخواست خود به برنامه‌ی صید آزمایشی ژاپن استناد کردند که قرار بود از اول ژوئن ۱۹۹۹ به مدت سه سال آغاز گردد. لذا با توجه به این که شروع این برنامه قریب‌الوقوع است، صدور قرار دستور موقت توسط دادگاه فوق ضرورتی آشکار برای دولت‌های استرالیا و نیوزلند خواهد بود.

۱. در سال ۱۹۹۳ سه کشور ژاپن، استرالیا و نیوزلند کنوانسیون تحت عنوان «کنوانسیون حفظ ماهی‌های تَن آبی باله» جهت حفاظت از ماهی تَن مزبور منعقد کردند. اجرای این سند توسط کمیسیون که به اتفاق آرای طرفین تصمیم اتخاذ می‌کند، تضمین می‌گردد.

دول خواهان جهت توجیه درخواست خود در پیشگاه دادگاه هامبورگ به طور صریح به اصل احتیاط متوسل شدند و اعلام داشتند که این اصل به موجب ماده‌ی ۱۱۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ قابل اعمال می‌باشد. به نظر این کشورها، زمانی که ارزیابی خسارات جدی و غیر قابل جبرانی نسبت به محیط زیست وجود داشته باشد، اصل احتیاط باید به عنوان یک قاعده‌ی عرفی حقوق بین‌الملل اعمال گردد. این موضوع به طور کامل توسط ژاپن رد گردید؛ زیرا به نظر این کشور صید آزمایشی تأثیر غیر قابل جبرانی بر منابع ماهی تن آبی باله نداشته است و در خصوص اصل احتیاط اعلام داشت که این اصل هنوز جنبه‌ی حقوق بین‌الملل عرفی پیدا نکرده است. دادگاه در قرار ۲۷ اوت ۱۹۹۹ خود مقرر داشت که طرفین در این شرایط باید به صورت محتاط و احتیاطی عمل کنند و مراقب باشند تا تدابیر حفاظتی مؤثری جهت جلوگیری از آسیب‌های شدید به ذخیره‌ی ماهی‌های تن آبی باله اتخاذ گردد (Affaire du thon à nageoire bleue, 1999: P. 77). به هر صورت، این قرار می‌تواند به منزله‌ی پیشرفتی قابل توجه در اجرای اصل احتیاط تلقی شود. این قرار اِشعار می‌دارد که ژاپن باید تدابیر حفاظتی بر اساس عدم یقین و قطعیت علمی اتخاذ کند. به عبارت دیگر، بر طبق این قرار، دادگاه هامبورگ به ژاپن دستور داد تا علی‌رغم وجود عدم یقین علمی، بنا بر ضرورت احتیاط در مورد وضع حفاظت از ماهی‌های تن آبی باله به عنوان ماهی‌های مهاجر از به اجرا گذاشتن برنامه صید آزمایشی خودداری نماید.

بعضی از قضات دادگاه بین‌المللی حقوق دریا در نظرات انفرادی خود ضمن استناد به اصل احتیاط از آن حمایت کرده‌اند. به نظر قاضی «تریوس» (Trèves) برای توسل به رویکرد احتیاطی به منظور ارزیابی فوریت تدابیر در این مورد لازم نیست متقاعد شویم که این رویکرد توسط یک قاعده‌ی حقوق بین‌الملل عرفی وضع شده است. رویکرد احتیاطی می‌تواند به عنوان اثر و نتیجه‌ی منطقی ضرورت مراقبت باشد و به عبارت دیگر، رویکرد احتیاطی غیر قابل تجزیه از مفهوم تدابیر موقت یا تدابیر فوری می‌باشد (Opinion individuelle du juge Treves, 1999: P. 9).

اما صدور این قرار به تنهایی نمی‌تواند به منزله‌ی اجرای کامل اصل احتیاط توسط این دادگاه باشد؛ زیرا رویه‌ی ثابت بین‌المللی در این خصوص وجود ندارد و اعتقاد حقوقی در این باره شکل نگرفته است تا بتوانیم اصل احتیاط را به عنوان یک قاعده‌ی عرفی در حقوق بین‌الملل مورد شناسایی قرار دهیم. اما در چارچوب اتحادیه‌ی اروپا، اصل احتیاط وضعیتی متفاوتی را تجربه کرده است؛ زیرا دیوان دادگستری جوامع اروپایی اصل احتیاط را مورد شناسایی قرار داده که در ذیل به آن خواهیم پرداخت.

۲-۲) تضمین و اجرای کامل اصل احتیاط در دیوان دادگستری جوامع اروپایی

مقایسه‌ی مراجع بین‌المللی پیش‌گفته با دیوان دادگستری جوامع اروپایی نشان‌گر توجه دیوان مذکور نسبت به اصل احتیاط است. دیوان دادگستری جوامع اروپایی هم در تئوری و هم در عمل نشان داد که این مرجع در مقایسه با سایر مراجع پیشرو می‌باشد و اصل احتیاط از اقبال و موفقیت ویژه‌ای برخوردار است. اسناد متعدد حقوق اروپایی به اصل احتیاط توجه کرده‌اند بدون این که تعریف مشخصی از این اصل به دست دهند. برای مثال، معاهده‌ی «ماستریخت» در ماده‌ی ۱۷۴-۲ به طور صریح اصل احتیاط را پیش‌بینی می‌کند و یا این که بعضی از ارکان این نهاد منطقه‌ای هم چون کمیسیون، تفاسیری از این اصل ارائه داده‌اند که البته این تفاسیر فاقد ارزش حقوقی است. در اجلاس «نیس» در سال ۲۰۰۰، شورای اروپایی اعلام کرد که: «اصل احتیاط برای محیط زیست، سلامت و بهداشت انسانی و جانوری و بهداشت گیاهی قابل اعمال می‌باشد» (Icard, 2000 : pp. 29-30). مشکلات فراوی اصل احتیاط مربوط به موارد فقدان تعریفی مشخص از اصل احتیاط، تنوع شرایط اجرا و دامنه‌ی شمول آن اصل می‌گردد. تنها دیوان دادگستری جوامع اروپایی محتوا و قلمروی اجرای اصل احتیاط را معین کرده و در عمل، تحقق و تعیین این اصل را در سطح منطقه‌ای تقویت کرده است.

بررسی رویه‌ی قضایی دیوان دادگستری جوامع اروپایی نشان می‌دهد که این دیوان در تحوّل اصل احتیاط نقش مهمی ایفا می‌کند. اصل احتیاط در قضایای مربوط به بهداشت و سلامت از جمله اموری است که در پهنه‌ی اتحادیه‌ی اروپایی مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا اتحادیه، این اصل را تنها برای سیاست‌های جامعه در حوزه‌ی محیط زیست در نظر گرفته است. ادغام سیاست‌های جامعه با ضرورت‌های حفاظت از محیط زیست چنین رویکردی از طرف اتحادیه را به سمت پذیرش این اصل تسهیل کرده است.

بحران مربوط به جنون گاوی نقطه‌ی عطفی در خصوص اصل احتیاط در چارچوب اتحادیه‌ی اروپایی محسوب می‌شود. با طرح موضوعاتی چون قابلیت انتقال جنون گاوی از حیوان به انسان، صدور گوشت و فرآورده‌های گوشتی از انگلستان را به سایر دول عضو ممنوع شد. کمیسیون در تصمیم خود با تأکید بر اصل احتیاط، صدور گوشت‌های مزبور را ممنوع کرد (Décision 96/239/CE, 27 mars 1996).

جریان آزاد کالاها یکی از مهم‌ترین اصول اتحادیه‌ی اروپایی است. دیوان جوامع اروپایی در یک قضیه در رابطه با بررسی قانونی بودن آیین‌نامه‌ی اروپایی مربوط به تجاری‌سازی

محصولات و کالاهایی که برای لایه‌ی اوزون مضر است، اعلام کرد که مقررات معاهده‌ی جوامع اروپایی تضمین‌کننده‌ی جریان آزاد کالاها و غلّی‌الخصوص ماده‌ی ۳۰ معاهده‌ی جوامع اروپایی هم بر دُول عضو و هم بر نهادهای اتّحادیه تحمیل می‌شود. نهادهای اروپایی نه تنها مقررات مربوط به جریان آزاد کالاها، بلکه سایر اهداف معاهده‌ی مزبور خصوصاً حفاظت از محیط زیست با بهداشت و سلامت افراد را باید محقّق کند. بدین سبب، نهادهای اروپایی باید مصالحه‌ای بین اصل جریان آزاد کالاها و اهداف حفاظت از محیط زیست و بهداشت و سلامت اشخاص ایجاد کنند.

حقوق اروپایی حفظ بعضی از موانع را بر جریان آزاد کالاها تجویز می‌کند. دُول عضو و نهادهای اروپایی به صورت رو به رشدی به اصل احتیاط استناد می‌کنند تا از این طریق تدابیری جهت ایجاد موانعی بر جریان آزاد کالاها ایجاد کنند. به عبارت دیگر، اصل احتیاط به صورت بالقوه مانع و منبع جدیدی جهت ایجاد مانع بر سر راه جریان آزاد کالاها تلقی می‌شود.

توسّل به اصل احتیاط توسط دُول عضو اتّحادیه و نهادهای آن منوط به تحقّق شرایطی چون عدم یقین علمی نسبت به خطر ورود خسارت و هم‌چنین در صورت بروز آن، شدید بودن آن خسارات می‌باشد. به همین دلیل و در راستای تأیید اعتبار تصمیم کمیسیون ممنوع‌کننده‌ی صادرات گاو پادشاهی متّحده‌ی بریتانیا جهت محدود کردن خطر انتقال جنون گاوی، دیوان دادگستری جوامع اروپایی در قضیه جنون گاوی اعلام کرد «زمانی که عدم یقین در مورد وجود یا دامنه‌ی خطرات برای سلامت و بهداشت افراد وجود داشته باشد، نهادهای [اروپایی] می‌توانند تدابیری اتّخاذ کنند بدون این که منتظر بمانند تا واقعیت و شدت این خطرات به طور کامل به اثبات برسد» (National Farmer's Union, 1998: CJCE, Rec. C-157/96). دیوان دادگستری جوامع اروپایی به اصل احتیاط مندرج در ماده‌ی ۱۳۰ آرا توجّه زیادی کرده است و به همین جهت نیز بر اهمیت ادغام التزامات زیست محیطی در سایر سیاست‌های اتّحادیه تأکید و استناد کرده است. بنابراین، دیوان باید به مقررات معاهده در خصوص محیط زیست متوسّل شود و در آن کند و کاو کند تا اصل احتیاط را در مورد حفاظت بهداشتی اعمال نماید. علاوه بر قضیه‌ی جنون گاوی، دیوان در آرای بعدی خود این موضوع را تقویت کرد. در رأی پژوهشی ۴ ژوئیه‌ی ۲۰۰۰ در خصوص تصمیم شعبه‌ی اوّل دادگاه جوامع اروپایی در ۱۶ ژوئیه‌ی ۱۹۹۸ (در قضیه‌ی آزمایشگاه‌های داروسازی برگادم/کمیسیون)، دیوان دادگستری جوامع اروپایی تصمیم کمیسیون را در خصوص ممنوعیت ورود کرم‌های آفتابی به بازار را به نام اصل احتیاط

مورد تأیید قرار داد. این قضیه بیشتر مربوط به حمایت از حقوق مصرف کنندگان است؛ زیرا تولیدکننده‌ی این کرم‌ها با توسل به مسئولیت خارج قرارداد درخواست تجدید نظر از تصمیم کمیسیون کرد. ممنوعیت ورود کرم‌های آفتابی توسط کمیسیون به این جهت بود که مرجع مزبور اعلام کرد که برخی از ترکیبات این کرم سرطان‌زا است (*Tribunal de Première Instance des Communautés Européennes (Bergaderm et Goupil/Commission), troisième chambre, 16 juillet 1998 : p.II-2805*). بنابراین، این اصل از این پس در خدمت محیط زیست، بهداشت و حمایت از مصرف کنندگان خواهد بود. در ۲۶ نوامبر ۲۰۰۲، اصل احتیاط به عنوان یک اصل کلی حقوق اروپایی توصیف شد و مقامات اروپایی را به اتخاذ تدابیر مناسب جهت جلوگیری از بعضی خطرات بالقوه بر سلامت عموم، امنیت و محیط زیست متعهد ساخت (London, 2001: p. 115).

لذا عمومی شدن رو به رشد اصل احتیاط در نظام حقوقی اتحادیه، دیوان دادگستری جوامع اروپایی و مراجع دول عضو را به اتخاذ تدابیری مؤثر جهت اجرای اصل احتیاط وامی دارد.

نتیجه

اصل احتیاط به عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست از اهمیت زیادی برخوردار است. رعایت اجرای این اصل در نظام بین‌المللی به شکل واحدی نیست. علت اصلی چنین امری، نامشخص بودن محتوا و ماهیت حقوقی و عدم وجود تعریفی روشن از اصل احتیاط می‌باشد. در بعضی از نظام‌های داخلی این اصل مورد شناسایی قرار گرفته است و رعایت می‌شود، در حالی که در نظام بین‌المللی به سبب فقدان تعریفی مشخص از این اصل، شاهد رویکردهای متفاوتی نسبت به اجرای آن در پیشگاه مراجع بین‌المللی هستیم.

مطالعه‌ی تطبیقی مراجع مختلف نشان می‌دهد که در بعضی از آن‌ها، اجرای اصل احتیاط لازم‌الرعایه است و به صورت کامل تضمین می‌شود، در حالی که در بعضی دیگر به صورت ناقص و یا اصلاً بدان وقعی گذاشته نمی‌شود. اجرای اصل احتیاط در چارچوب اتحادیه‌ی اروپایی با اقبال زیادی روبه‌رو بوده است؛ زیرا دیوان بین‌المللی دادگستری جوامع اروپایی در قضایای متعدد، این اصل را مورد شناسایی قرار داده و رعایت آن را الزامی دانسته است. بی‌تردید رعایت و تضمین اجرای اصل مزبور در نظام اروپایی به صورت کامل ارزیابی می‌گردد. با شناسایی این اصل به عنوان یکی از اصول کلی حقوق اروپایی، جایگاه رفیعی به آن داده است.

برعکس، در مراجع دیگری هم‌چون دیوان بین‌المللی دادگستری، علی‌رغم این که این اصل در نظرات انفرادی قضات مختلف ذکر شده، اما این مرجع به جهت فقدان تعریفی مشخص از اصل احتیاط، از شناسایی آن به عنوان یک قاعده‌ی عرفی بین‌المللی خودداری می‌کند. البته در مواردی طرفین اختلاف در این مرجع به تناسب موضوع و در راستای اثبات نظر خود به این اصل متوسل شده‌اند. عدم تثبیت جایگاهی معین برای اصل احتیاط یکی از موانع پیش روی آن تلقی می‌گردد و شناسایی این اصل به عنوان قاعده‌ی عرفی بین‌المللی می‌تواند کمک شایانی به آن نماید.

در مورد اعتبار اصل احتیاط بین حقوق‌دانان نیز اتفاق نظر وجود ندارد؛ زیرا بعضی از آن‌ها این اصل را به عنوان یک قاعده‌ی عرفی تلقی می‌کنند (Cameron et Abouchar, 1996: p. 52)، در حالی که بعضی دیگر، وصف عرفی بودن را در مورد این اصل به کلی انکار می‌کنند (Dupuy, 2002: PP. 108-111). پس، مراجع بین‌المللی چون دیوان بین‌المللی دادگستری و سازمان جهانی تجارت نسبت به شناسایی این اصل به عنوان یک قاعده‌ی عرفی خیلی محتاطانه عمل کرده‌اند و از شناسایی این اصل به عنوان قاعده‌ای عرفی خودداری کرده‌اند (Schamps, 2003: P. 215). با وجود این، تصمیم دادگاه بین‌المللی حقوق دریا در خصوص اصل احتیاط قابل توجه است. این مرجع در قرار دستور موقت ۲۷ اوت ۱۹۹۹ در قضیه‌ی «ماهی تن آبی باله» (Thon à nageoires bleus) به نحوی اصل احتیاط را به کار گرفت. دادگاه در چارچوب تدابیر و اقدامات موقت خود در قبال برنامه‌ی آزمایشی صید ژاپنی‌ها به جهت عدم رعایت سهمیه‌بندی‌های صادره و عدم یقین علمی در مورد خطراتی که انجام این برنامه برای ماهی تن آبی باله دارد، اعلام کرد: «طرفین باید ... محتاطانه و با احتیاط عمل کنند و مراقب باشند که تدابیر حفاظتی مؤثری به منظور جلوگیری از ورود آسیب‌های جدی به ذخیره‌ی ماهی تن آبی باله اتخاذ شود» (Affaire du thon à Nageoire bleue, 1999: P. 77). اما قاضی «لاینگ» در نظر شخصی خود خلاف این امر را مطرح می‌کند. به نظر ایشان «دادگاه، احتیاط را به عنوان یک اصل اعمال نکرده، بلکه بیشتر به عنوان یک رویکرد احتیاطی تلقی کرده است» (Opinion individuelle de Juge Laing, 1999: Para. 15).

از آن چه گذشت، مشخص گردید که تدابیر احتیاطی باید تا زمانی که عدم یقین علمی در مورد خطرات وجود دارد، تداوم پیدا کند. به عبارت دیگر، این تدابیر جنبه‌ی موقتی و گذار دارند و به محض این که تحقیقات علمی، فقدان خطرات را به اثبات رساند، تدابیر مزبور متوقف می‌شوند.

شناسایی و اجرای این اصل در مراجع ملی می تواند کمک زیادی به رعایت آن در عرصه‌ی بین‌المللی کند. علاوه بر این امر، باید به نقشی که دیوان بین‌المللی دادگستری می تواند در این خصوص بازی کند، اشاره کرد. شناسایی اصل احتیاط توسط دیوان بین‌المللی دادگستری می تواند کمک شایانی به این اصل بکند، چه این که تصمیمات معتبرترین مرجع قضایی بین‌المللی از مقام و منزلت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌باشند و بعضاً هم توسط سایر مراجع قضایی منطقه‌ای و بین‌المللی مورد استناد قرار می‌گیرند.

منابع

- Boisson de Chazournes, (L.), Desgagé, (R.), Mbengue, (M.), Romano, (C.), (2005). *Protection internationale de l'environnement*, Paris, Pedone.
- Boy, L., Charlier, C., Rainelli, M. & Reis, P. (2003), "La Mise en œuvre du Principe de précaution dans l'accord SPS de l'OMC: Les enseignements des différends commerciaux", *Revue économique*, vol. 54, No. 6, (Nov., 2003).
- Boy, L. (2002), "La place du principe de précaution dans la directive UE du 12 mars 2001 Relative à la dissémination volontaire des OGM", *Revue Juridique de l'Environnement*, NO. 1.
- Cameron, J. & Abouchar, J. (1996), *The Status of the Precautionary Principle in International Law*, The Precautionary Principle and International Law, The Challenge of Implementation, D. Freestone and E. Hey (éd), The Hague, London, New York, Kluwer Law International.
- De Sadeleer, N. (1996), *Les Principes du Pollueur Payeur, de prévention et de précaution*, AUPELF-UREF, Bruylant: Universités francophones.
- Dessinges, F. (2002), *Le Principe de précaution et la Libre Circulation des Marchandises*, mémoire du DEA, université Robert Schuman de Strasbourg.
- Dupuy, P. M. (2002), *Le Principe de précaution, Règle émergente du droit international général*, in Leben (Ch.) et Verhoeven (J.), *Le Principe de Précaution: Aspects de droit international et communautaire*, éd. Panthéon-Assas.
- Icard, Ph. (2002), "L'articulation de L'ordre Juridique communautaire et des ordres juridiques nationaux dans L'application du principe de précaution", *Revue Juridique de L'environnement*, No. Spécial.
- Kawano, M. (2003), *L'affaire du thon à nageoire bleue et les chevauchements de juridictions internationales*, AFDI.
- London, C. (2001), "Commerce et environnement", Puf.
- Sands, Ph. (1997-2), *L'affaire des essais nucléaires II (Nouvelle-Zélande C. France) : Contribution de l'instance au droit international de l'environnement*, RGDIP.
- Schamps, G. (2003), *L'application du principe de précaution en droit communautaire et en droit Belge*, mélange offerts à Marcel Fontaine, Lacier.
- Sohnle, J. (1990-1), *Irruption du droit de l'environnement dans la Jurisprudence de la CIJ : L'affaire Gabčíkovo-Nagymaros*, RGDIP.

- “Affaire relative au projet Gabcikovo-Nagymaros “ (Hongrie / Slovaquie), 25 septembre 1997.
- “Affaire du thon à Nageoire Bleue” (Nouvelle-Zélande c. Japon; Australie c. Japon), Ordonnance du 27 août 1999, tribunal international du droit de la mer, 1999.
- Affaire des essais nucléaires (Nouvelle-Zélande C. France), 1995.
- Affaire national farmer’s union, C-157/96, Rec. 1998.
- Décision de la commission européenne, 96/239/CE, 27 mars 1996.
- Rapport du groupe spécial, “Communautés Européennes- mesures communautaires Concernant la viande et les produits carnés “, 18 août 1997, WT/DS/26/R.
- Rapport de l’Organe d’appel, “Communautés Européennes- Mesures communautaires concernant la viande et les produits carnés “, 16 janvier 1998, WT/DS48/AB/R.
- “Opinion Individuelle du juge treves dans L’affaire du thon à Nageoire Bleue, ordonnance du 27 août” 1999, Tribunal international du droit de la mer, 1999.
- “Opinion individuelle de juge laing dans l’affaire du thon à Nageoire Bleue, Ordonnance du 27 août “ 1999, tribunal international du Droit de la mer, 1999.
- “Tribunal de première instance des communauté Européennes “, Bergaderm, T-199/96, Rec. 1998.